

## نیود رضایت شغلی عامل اضطراب و کم تحملی

یکی از مشکلاتی که ما در سال‌های اخیر با آن روبه رو شدیم و ادامه پیدا کرده است این است که تعداد دانشگاه‌های ما افزایش پیدا کرده اند در حالی که آمادگی و کیفیت لازم را ندارند و در نتیجه دانشجوی بیش از اندازه پذیرش می‌کنند و آنها بعد از چهار سال فارغ‌التحصیل می‌شوند بدون اینکه توانمندی کار یا شغلی را داشته باشند.



یکی از مشکلاتی که ما در سال‌های اخیر با آن روبه رو شدیم و ادامه پیدا کرده است این است که تعداد دانشگاه‌های ما افزایش پیدا کرده اند در حالی که آمادگی و کیفیت لازم را ندارند و در نتیجه دانشجوی بیش از اندازه پذیرش می‌کنند و آنها بعد از چهار سال فارغ‌التحصیل می‌شوند بدون اینکه توانمندی کار یا شغلی را داشته باشند. اینها انتظار دارند که جذب بازار شوند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان، بازاری که به علت وخامت اوضاع امکان پذیرش این افراد را به طور کلی ندارد. این مساله ای است که شورای انقلاب فرهنگی و دانشگاه‌ها باید برای آن برنامه ریزی خاصی داشته باشند. چه لزومی دارد که ما رشته‌های جدید با تعداد بالای دانشجوی بگیریم که کیفیت را ندارد و به خصوص دانشجویانی تربیت می‌کنند که از نظر توانمندی این ضعف را دارند و مسائل تجربی را نیاموخته و تنها روی تئوری‌ها تمرکز کرده اند.

بسیاری از فارغ‌التحصیلان این تصور را دارند که چون ما مدرک تحصیلی گرفته ایم، باید استخدام و جذب ادارات شویم یا کارهای دولتی انجام دهیم. باید توجه داشت که وظیفه دانشگاه پیداکردن شغل برای این افراد نیست. این است که اگر آموزش درست داشتیم و به آنها آمادگی ذهنی می‌دادیم، اگر افراد توانمندی لازم را داشتند، بعد از فراغت از تحصیل دست به تاسیس کار می‌زدند و خدمات کلی را انجام می‌دادند. این مسائل مطرح نیست و هر روز ضعیف تر می‌شود.

البته این افراد باید در هر حال از نظر اقتصادی زندگی کنند و ممر درآمدی داشته باشند. این است که جذب کارهای خدماتی می‌شوند. در آمارهایی که حتی در رسانه‌ها چاپ می‌شود می‌بینیم بسیاری از اینها با داشتن مدرک کارشناسی ارشد به خدمات مانند کار در آژانس می‌پردازند و دلیل این کار این است که چنین فعالیت‌هایی برای آنها ایجاد درآمد خواهد کرد.

دانشگاه‌ها تبدیل به ممر درآمد شدند

از لحاظ رضایت شغلی این آن چیزی نیست که آنها می‌خواستند. با خود فکر می‌کنند که از وقت خود وقت هزینه کردیم و سال‌های جوانی خود را برای تحصیل گذاشتیم و به مشاغلی می‌پردازیم که به هیچ وجه شایان تحصیلاتی که کردیم نیست. اگر بخواهید به بهداشت روان جامعه ما توجه کنید، می‌بینید که میزان افسردگی و اضطراب بالا است و اینها به دلیل نبود رضایت از کاری است که انجام می‌دهند چون کارشان متناسب با تحصیلاتشان نیست.

بنابر این آستانه تحمل آنها هم پایین تر از معمول است و به این روش می‌توانیم مشکلات جامعه را درک و لمس کنید. در نتیجه مسئولین دولت باید در برنامه ZWJZ ریزری‌های خود به این مساله توجه کنند. دانشگاه‌ها به نوعی تبدیل به ممر درآمد شده است و از آنها خواسته شده که هر دانشگاه از نظر استقلال مالی روی پای خود بایستند. داوطلبانی است که که فکر می‌کنند اشکالی ندارد که هزینه و زمان بگذارند و مدرکی را بگیرند بنابراین ما توقع افراد را بالا بردیم و توانمندی را در آنها آنقدر تقویت نکردیم که آنها بتوانند به آن کار بپردازند این چنین است که ما از نظر سلامت روان دچار مساله شده ایم.

افزایش آمار استرس و افسردگی

فرد تحصیلکرده توقع و انتظاری از کارایی خود دارد اما این مساله ای نیست که بازدهی آن را در کار خود احساس کنند. با این درآمد زندگی او نمی‌گذرد. در جراید هم می‌بینیم که حتی پزشکان زیر خط فقر هستند چه برسد به افرادی که لیسانس دارند. از طرفی شرایط جذب دانشگاه‌ها و هیات علمی با محدودیت همراه است و با یکسری سختگیری‌های خاصی که صورت می‌گیرد در نتیجه اگر این افراد جذب شوند درآمد کافی نخواهند داشت.

اگر فرد نان آور خانواده احساس کند که زندگی اش تامین نیست با توجه به بالا رفتن هزینه‌ها به خصوص هزینه مسکن، خورد و خوراک و اگر صاحب فرزندی باشد هزینه فرزند او فشارهایی است که بر فرد وارد می‌شود. بنابراین چیزی که فرد

می خواست و برایش تلاش کرد و انتظار داشت چیزی نیست که انجام می دهد بنابراین نبود رضایت در فرد شکل می گیرد.

بنابراین افرادی را می بینید که به دو یا سه شغل می پردازند. این نوع رفتار برای جبران کمبودهایی است که فرد با یک شغل دارد اما به این مساله توجه نمی کند که نبود رضایت شغلی و قلبی که باید برای فرد وجود داشته باشد، خستگی فراوانی برای او به همراه خواهد داشت. در نتیجه خستگی زیاد موجب می شود افراد از معاشرت‌های خانوادگی حتی بودن در خانواده فاصله بگیرند و زمانی که به خانه می آیند هم دچار دغدغه و نگرانی هستند.

آمار استرس و افسردگی و اضطراب در جامعه ما بالا است و هر زمانی آمار منتشر می شود می توانیم شاهد افزایش افسردگی و استرس در جامعه باشیم. این چیزی است که دولتمردان باید به آن توجه کنند و حتی در آموزش آنها تلاش بیشتری انجام شود. باید مهارت های افراد تحصیلکرده را افزایش داد تا در صورت جذب از آن استفاده کنند و کارها و فعالیت خود را بر اساس توانمندی راه بیاندازند تا این نگرانی برطرف شود.